

Theory in Practice: Semiotics of Symbols of Poetry for Children in the Eighties Based on the Semantic Triangles of Agden and Richards

Khavar Ghorbani *

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Mahabad Branch, Islamic Azad University, Mahabad, Iran

Nishtaman Allahveisi 

Master of Persian Language and Literature, Mahabad Branch, Islamic Azad University, Mahabad, Iran

Abstract

The use of "allegory" and "symbols" to better understand the concepts, particularly abstract and rational concepts, is one of the ways in which children's literature is very important and it can be examined from multiple views one of which is semiotic structure or meaning of the symbols that can open the way to new issues in literature. Therefore, this article uses qualitative and quantitative mixed research methods and the semiotic pattern of symbols of Ogden and Richards to explore the semiotics of meaning of symbols in children's literature in the eighties. Semiotic symbols of this period show that the ideas that have changed signs in stories this decade are more religious and moral. In addition, the study of data, based on the above model, shows that thought alone cannot be considered the main factor in changing the signs of the symbol, but other components such as the multiple characteristics of a case and its semantic evolution over time must be considered.

Keywords: Poetic Literature, Children's Literature, 1380s Decade, Symbol, Religious Thought.

* Corresponding Author: ghorbanikhavar@yahoo.com


How to Cite: : Ghorbani, Kh., Allahveisi, N. (2022). Theory in Practice: Semiotics of Symbols of Poetry for Children in the Eighties Based on the Semantic Triangles of Agden and Richards. *Literary Text Research*, 26(93), 333-362. doi: 10.22054/LTR.2020.39580.2582

نشانه‌شناسی نمادهای شعر کودک در دهه هشتاد بر اساس مثلث معنایی آگدن و ریچاردز

دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی،
مهاباد، ایران

خاور قربانی * 

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی،
مهاباد، ایران

نیشتمان الله ویسی 

چکیده

کاربرد «تمثیل» و «نماد» برای درک بهتر مفاهیم به‌ویژه مفاهیم انتزاعی و عقلانی، یکی از روش‌هایی است که در ادبیات کودک‌کان و نوجوانان بسیار اهمیت دارد و می‌توان از دیدگاه‌های متعددی به بررسی آن پرداخت؛ یکی از این روش‌ها، نشانه‌شناسی ساختار یا معنای نمادهاست که می‌تواند راهگشای مسائل جدیدی در ادبیات باشد؛ به همین منظور، در این مقاله با به‌کارگیری روش تحقیق آمیخته کمی- کیفی و الگوی معنایی آگدن و ریچاردز (۱۹۲۳) به نشانه‌شناسی معنای نمادهای ادبیات منظوم کودک و نوجوان در دهه هشتاد پرداخته شده است. نشانه‌شناسی نمادهای این دوره نشان می‌دهد، اندیشه‌ای که سبب تغییر نشانه‌ها در داستان‌های این دهه شده است، بیشتر اندیشه‌های دینی و اخلاقی هستند علاوه بر این، بررسی داده‌ها بر اساس الگوی فوق نشان می‌دهد که اندیشه به‌تنهایی نمی‌تواند به‌عنوان اصلی‌ترین عامل تغییر نشانه‌های مصداق‌های نمادین مطرح شود بلکه باید مؤلفه‌های دیگری چون ویژگی‌های چندگانه یک مصداق و تحول معنایی آن را در طول زمان در آثار مسائل مختلف فرهنگی و اجتماعی، در نظر گرفت.

کلیدواژه‌ها: ادبیات منظوم، کودک و نوجوان، دهه هشتاد، نشانه‌شناسی، نماد، اندیشه دینی.

مقدمه

اهداف ادبیات کودک و نوجوان با توجه به این که دارای مخاطبان خاصی از نظر گروه سنی، حساس، تأثیرپذیر و آینده‌ساز است، وظیفه خطیری بر دوش دارد و در صورتی می‌تواند به خود برسد که در مورد مخاطب خود شناخت کافی داشته باشد و با توجه به آن، پیام را به گونه‌ای مؤثر ارائه دهد. علاوه بر این، یکی از ابزارهایی که می‌تواند نویسندگان را در دستیابی به این هدف یاری نماید، انتخاب «نوع ادبی مناسب» از بین انواع ادبی مختلفی است که در ادبیات کودک وجود دارد. یکی از این انواع که می‌توان به راحتی با استفاده از آن مفاهیم انتزاعی و عقلانی را محسوس و قابل فهم کرد، «تمثیل» است که نه تنها در ادبیات کودک بلکه در همه دوره‌ها و مقاطع ادبی و حتی در ادبیات جهانی مورد استفاده واقع می‌شود.

وجود این نوع در یک اثر، از دیدگاه‌های متعددی قابل بررسی است؛ به عنوان مثال، تعیین اهمیت و جایگاه آن، دلیل پیدایش و ظهور، تعیین ارتباط آن با اندیشه‌ها و موضوعات نهفته در آن‌ها و خیلی از مسائل دیگر مثل نشانه‌شناسی^۱ نمادهای آن که امروزه در تحقیقات زبان‌شناسی و ادبی جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است.

نشانه‌شناسی به زبان ساده، علمی است که به مطالعه نظام‌های نشانه‌ای نظیر زبان‌ها، رموزها و علائم می‌پردازد (گیرو، ۱۳۸۰) بنابراین این علم، در تحلیل موضوعات متعدد زبانی اعم از: نحوی، تفسیری، نماد و ... می‌تواند کاربرد داشته باشد. در حوزه تحلیل نماد با استفاده از نشانه‌شناسی یا رابطه نماد و نشانه باید گفت زبان‌شناسان نشانه‌ها را به شیوه‌های مختلفی طبقه‌بندی کرده‌اند که یکی از معروف‌ترین آن‌ها طبقه‌بندی سه‌گانه «پیرس»^۲ است: نشانه‌های شمایی، نشانه‌های نمایه‌ای و نشانه‌های نمادین (سجودی، ۱۳۸۷)؛ یعنی براساس این تقسیم‌بندی نمادها یکی از انواع نشانه‌ها هستند.

در علم نشانه‌شناسی نخستین الگو نه‌چندان منظم و مدون اما قابل طرح از آن «ارسطو» است (مهرگان، ۱۳۹۲) بعد از او «رواقیان» به این بحث وارد شدند. «انگیزه اصلی ورود

1. Semiotic

2. Pires

فیلسوفان رواقی به مبحث نشانه‌شناسی انگیزه‌های منطقی بوده‌است و نه نشانه‌شناختی. «همان» «سوسور»^۱ و «پیرس» از صاحب‌نظران اصلی این علم هستند که سوسور نشانه‌زبانی را متشکل از یک دال (تصور صوتی) و یک مدلول (تصور مفهومی) می‌داند و رابطه‌ی بین این دو را که به نشانه، هستی و انسجام می‌بخشد، دلالت می‌نامند. (سجودی، ۱۳۸۲) و پیرس عقیده دارد نشانه دارای الگویی سه وجهی است: نمود^۲ (صورتی که نشانه به خود می‌گیرد)، تفسیر^۳ (معنایی که از نشانه حاصل می‌شود)، موضوع^۴ (که نشانه به آن ارجاع می‌دهد)، (سجودی، ۱۳۸۲) یکی از موارد طبقه‌بندی نشانه که هنوز به‌طور گسترده‌ای در مطالعات نشانه‌شناختی به آن ارجاع می‌شود، همین طبقه‌بندی سه‌گانه پیرس است.

نظریات دیگری هم به تاسی و در تکمیل نقایص آن‌ها در حوزه‌ی معناشناسی نشانه‌های زبان مطرح شده است که قابل‌قبول‌ترین آن‌ها نظریات «سی. کی. آگدن»^۵ و «آ. ای. ریچاردز»^۶ است. درجه‌ی مقبولیت آن تا حدی است که در کنفرانس زبان‌شناسان ۱۹۵۱ در «نیس»^۷ یکی از مواردی بود که اکثر زبان‌شناسان درباره‌ی آن توافق کردند. (بدره‌ای، ۱۳۴۶) این نظریه گاهی «نظریه تحلیلی معنا»^۸ (همان) و «گاهی نظریه انگاره‌ای»^۹ نام‌گذاری شده (صفوی، ۱۳۸۲؛ شریف، ۱۳۸۸) و در کتاب «معنای معنا»^{۱۰} (۱۳۹۲) مطرح شده است. بر مبنای این نظریه، لفظ در زبان به‌جای مصداق در دنیای خارج، به چیزی در درون ذهن ما دلالت می‌کند؛ چیزی مثل یک انگاره یا شاید تصویر و یا اندیشه. (صفوی، ۱۳۸۲) این نظریه چیزی متفاوت با نظریه ارجاعی زبان یعنی دلالت واژه‌های زبان به چیزهایی در خارج است (همان)؛ به‌عنوان مثال لفظ کلاغ فقط به پرنده در بیرون دلالت ندارد، بلکه متناسب با اندیشه‌ای که در ذهن ماست می‌تواند معنی شرارت، سیاهی و حتی معنی متفاوت و مثبت داشته باشد.

-
1. Saussure
 2. Representamen
 3. Interpretant
 4. Object
 5. C. K. Ogden
 6. I. A. Richards
 7. Nice
 8. Analyzing Definition
 9. Ideational Theory
 10. Meaning Of Meaning

همان‌گونه که اشاره شد، زبان‌شناسانی مانند آگدن و ریچاردز بر این عقیده هستند که نماد یکی از نشانه‌هایی است که در ارتباط با اندیشه قابل تفسیر و تغییر است؛ یعنی یک مصداق نمادین می‌تواند چند نشانه داشته باشد و عامل تغییر نشانه، اندیشه نهفته یا سازنده آن است و با توجه به اینکه در این مقاله هم اندیشه‌های سازنده نمادهای دهه هشتاد مورد بررسی قرار گرفته‌است، برای تحلیل و نقد آن‌ها این نظریه انتخاب شده‌است و سعی خواهد شد در این مقاله ضمن نشان دادن جایگاه نمادپردازی در ادبیات این دهه، نخست اندیشه‌های سازنده نمادهای شعر کودک دهه هشتاد نشان داده شود سپس به این سؤال پاسخ داده شود که آیا تنها اندیشه‌ها می‌تواند سبب تغییر نشانه‌ها شود یا عوامل دیگری هم در آن دخیل‌اند؟

۱. روش‌شناسی پژوهش

در این مقاله با به‌کارگیری روش تحقیق آمیخته کمی- کیفی و بر اساس الگوی معنایی آگدن و ریچاردز به نشانه‌شناسی نمادهای ادبیات منظوم کودک و نوجوان در دهه هشتاد پرداخته شده‌است. طبق مطالعه‌ای که بر این آثار انجام شد، تعدادی از آثار به‌صورت نمایشنامه و بازی، برخی در مورد معرفی شعرای بزرگ ایران، خاطرات شاعرانه، مجموعه اشعار شاعران معاصر، ترانه‌های کودکانه، اشعار مذهبی در مورد پیامبر اکرم (ص) و پیشوایان دینی، دعا‌های کودکانه، چیستان، توصیف طبیعت و عوامل طبیعی، معرفی حیوانات، مجموعه‌هایی از قطعات ادبی کودکان و نوجوانان عضو کانون پرورش فکری و همچنین برگزیده مسابقات قصه و شعر جزء آثار منظوم انتشار یافته کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دهه هشتاد بود که به علت نمادین نبودن آن‌ها، از جامعه آماری حذف شدند و در نهایت این منابع انتخاب شدند: «دختر باغ آرزو نوشته کریستین آندرسن»، «فرشته‌ای از آسمون، مجموعه پر زرد قناری، مجموعه گنجشک و پروانه و مجموعه سبزه‌تر از درخت، سروده ناصر کشاورز»؛ «کلاغه به خونه‌ش نرسید، من و خواب جنگل، هاجستم و واجستم، کلاغ‌ها و شکوفه‌ها سروده افسانه شعبان‌نژاد»؛ «ماه نو، نگاه نو، سروده اسدالله شعبانی»؛ «مجموعه آقای تابستان، سروده منیژه هاشمی»؛ «مجموعه جم‌جمک، سروده محمود

کیانوش؛ «مجموعه نمی توان کلاغ ماند، سروده احمد میرزاده»؛ «مجموعه یک آسمان گنجشک، سروده محمدحسین محمدی»؛ «مجموعه شعرهای بارانی، سروده جعفر ابراهیمی» و «مجموعه کلوچه و مورچه، سروده مهری ماهوتی».

گفتنی است این مقاله برگرفته از یافته‌های پایان‌نامه‌ای با عنوان «نشانه‌شناسی نمادهای ادبیات منظوم کودک و نوجوان در دهه هشتاد» است که در یکی از فصل‌های آن تمامی نمادهای موجود در نمونه‌های تحقیق با استفاده از فرهنگ نمادهای «ژان شوالیه و آلن گبران» (۱۳۸۸) و فرهنگ مصور نمادهای سنتی «کوپرچین» (۱۳۷۹)، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب از «هال جیمز» (۱۳۹۲) و ارتباط آن با سیر داستان توصیف‌شده‌اند و اندیشه‌های موجود در آن‌ها- چون یکی از ابعاد الگوی آگدن و ریچاردز اندیشه است- طبقه‌بندی شده‌است سپس بر اساس داده‌ها اندیشه غالب مشخص گردیده در نهایت به نقد و بررسی آن پرداخته شده است.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه نشان می‌دهد که مطالعه ادبیات با رویکرد نشانه‌شناختی به صورت جداگانه و مستقل به‌ویژه در ادبیات کودک سابقه چندانی ندارد و در پژوهش‌های انجام‌شده، بیشتر به بررسی در ادبیات کلاسیک و گاهی اشعار معاصر پرداخته شده‌است. از مقالاتی که در رابطه با ادبیات کودک تدوین شده‌اند می‌توان به «نشانه‌شناسی زبان در شعر کودک» اشاره نمود که این مقاله بیشتر تلاشی است برای سازمان‌دهی و ارائه ویژگی‌ها و نشانه‌های تفکیک‌شده زبان شعر کودک تا نمادها.

۳. مفاهیم نظری پژوهش

۳-۱. نماد و نشانه

نشانه‌ها بر اساس ارتباطی که با مدلول خوددارند به سه نوع نشانه‌های شمایی، نمایه‌ای و نمادین تقسیم می‌شوند در نشانه‌های شمایی رابطه شباهت برقرار است؛ مانند عکس یک فرد و خودش، در نشانه‌های نمایه‌ای رابطه غیر قراردادی و علی و معلولی وجود دارد؛ مانند

تب که نشانه بیماری است و در نشانه‌های نمادین، رابطه قراردادی است مانند رنگ‌های چراغ‌راهنما. (الستون، ۱۳۸۱؛ مهرگان، ۱۳۸۵) واژه نماد از لحاظ اصطلاحی در حوزه‌های مختلف فلسفه زبان، زبان‌شناسی، ارتباط‌شناسی و هنر و ادبیات بکار برده می‌شود (پیرحیاتی، ۱۳۸۵) به همین دلیل در منابع، تعاریف متفاوتی از نماد و نمادپردازی ارائه شده است. طوری که برخی صاحب‌نظران این حوزه، معتقدند که تعاریف آن‌قدر متفاوت‌اند که دیگر بحث از پدیده واحدی در میان نیست. چدویک نماد را صرفاً نشان دادن یک مفهوم به‌جای مفهوم دیگر نمی‌داند، بلکه می‌گوید استفاده از تصاویر عینی و ملموس برای بیان عواطف و افکار انتزاعی نیز هست (چدویک، ۱۳۷۵) یونگ بر بیان غیرمستقیم نماد تأکید کرده است و عقیده دارد که معرف چیزی مبهم، ناشناخته یا پنهان از ماست. (یونگ، ۱۳۷۷) به‌طور کلی نماد «هنر بیان افکار و عواطف نه از راه شرح مستقیم و نه به‌وسیله تشبیه آشکار آن افکار و عواطف به تصویرهای عینی ملموس، بلکه از طریق اشاره به چگونگی آن‌ها و استفاده از نمادهایی بی‌توضیح، برای ایجاد آن عواطف و افکار در ذهن خواننده دانست.» (چدویک، ۱۳۷۵)

۳-۲. نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی مطالعه نشانه‌ها و فرآیندهای تأویلی، یافتن مناسبتی میان دال و مدلول و به‌عبارتی دیگر مطالعه نظام‌مند همه عواملی است که در تولید و تفسیر نشانه‌ها یا در فرآیند دلالت شرکت دارند. (چندلر، ۱۳۸۷) فکوهی می‌گوید: «نشانه‌شناسی علمی است که هدف خود را از شناخت و تحلیل نشانه‌ها و نمادها چه آن‌ها که به‌صورت زبان گفتاری یا نوشتاری درآمده‌اند و چه آن‌هایی که صورت‌های غیرزبانی دارند، اعم از نشانه‌های فیزیولوژیک، بیولوژیک، نظام‌های معنایی، نظام‌های ارزشی و ... اعلام می‌کند.» (فکوهی، ۱۳۸۳)

سجودی (۱۳۸۲) در توضیح آن آورده است: این دو نویسنده صورت‌های زبانی را از طریق تصور ذهنی به مصداق‌های جهان خارج مرتبط می‌سازند. در فرضیه آنان رابطه میان نماد و مصداق، غیرمستقیم است و از طریق اندیشه یا تصور ذهنی صورت می‌گیرد و صفوی (۱۳۸۲) عقیده دارد بر مبنای مثلث دلالت یا معنایی آگدن و ریچاردز ارتباطی غیرمستقیم میان مصداق در جهان خارج و نشانه در نظر گرفته می‌شود این ارتباط به واسطه تصویر ذهنی فرد برقرار می‌شود و به بیانی مصداق با رجوع به تصویر ذهنی قابل درک است و معنی موجودیتی ذهنی است. از این عبارات می‌توان چنین استنباط نمود که مصداق واژه یا نشانه دلالتی درون ذهنی دارد نه برون ذهنی و همچنین به‌طور ضمنی می‌توان ادعا کرد که صورت یک واژه یا نشانه زبانی ممکن است در طول زمان بدون تغییر باقی بماند و اما معنای آن با تغییر اندیشه به تدریج تغییر کند. (بدره‌ای، ۱۳۴۶)

۴. روش کار

با توجه به مبحث فوق، می‌توان اندیشه را متغیر معنایی مصداق و نشانه دانست و با تغییر آن، یک یا چند نشانه را برای یک مصداق در نظر گرفت بر همین اساس ما در این بحث نمادهای شعر کودکان گروه الف تا جیم را در دهه هشتاد مورد بررسی قرار داده‌ایم اما توصیف تمامی نمادها در این مقاله امکان‌پذیر نیست و با توجه به اینکه اندیشه‌های موجود در آنها را می‌توان بر اساس بررسی انجام‌شده به چهار طبقه اندیشه‌های دینی، اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی تقسیم کرد از هر اندیشه یک داستان انتخاب‌شده و برای نشان دادن روش کار نخست به آن‌ها اشاره خواهد شد، سپس در بحث بعدی، به ذکر تمامی نمادهای در قالب جدول پرداخته خواهد شد.

۴-۱. اندیشه دینی

بررسی نماد در نمونه‌های این مطالعه نشان می‌دهد که داستان‌های فرشته‌ای از آسمون، دختر باغ آرزو، هاجستم و واجستم، من و خواب جنگل، به شکل نمادین علاوه بر القای احساس آرامش واقعی در پیوند با خدا، احساس خلأ در نبود این قدرت و مهم‌تر از همه

حس کنجکاوی و جستجوگرانهٔ کودکان را برای درک ماهیت خدا پرورش می‌دهند. به‌عنوان مثال در قصهٔ «فرشته‌ای از آسمون» شاعر آرزوی فرشته‌ای دل‌شکسته و غمگین را که تنها روی رنگین کمان، جامانده و به دنبال دوستی مهربان است، بیان می‌کند. (کشاوری، ۱۳۸۰) واژهٔ فرشته نماد ارتباط خداوند با مخلوقات است (شوالیه و گبران، ۱۳۸۵، ج ۴)؛ یعنی تمایل فرشته برای ارتباط با موجودات زمین، به‌طور نمادین بیان‌گر تمایل ذات اقدس خداوند با موجودات است. این فرشته سر راه به موجوداتی برخورد می‌کند که هیچ‌کدام شایستهٔ دوستی نیستند؛ از جمله گربه سیاهی را می‌بیند که به فرشته پیشنهاد دوستی می‌دهد (کشاوری، ۱۳۸۰) اما دوستی گربه سیاه را قبول نمی‌کند. نمادگرایی گربه جنبهٔ مثبت ندارد، ظاهراً گربه با نوعی بی‌اعتمادی و سوءظن مشاهده می‌شود. (شوالیه و گبران، ۱۳۸۵، ج ۴) در این شعر هم شاعر عدم پیوند ذات خدا را با انسان‌های جادوگر و حرام‌خور به‌سادگی با دوست نشدن فرشته با گربهٔ سیاه نشان می‌دهد.

تا اینکه در باغ، کلاغی را می‌بیند که می‌خواهد با فرشته دوست شود اما وقتی به دزدی و خبرچینی‌اش اشاره می‌کند (کشاوری، ۱۳۸۰) پیشنهادش را رد می‌کند. کلاغ نماد مآل‌اندیشی و هوشیاری است. (شوالیه و گبران، ۱۳۸۵، ج ۳) درحالی که خداوند انسان‌های عاشق و مست را می‌طلبد یعنی کسی که نسبت به مسائل دنیوی بی‌اعتنا باشد نه انسان‌های هوشیار و آگاه دنیایی پس فرشته با او نیز نمی‌خواهد رفاقت کند.

فرشته در فکر پیدا کردن دوست، تنها و دل‌شکسته در کوه درحالی که می‌خواهد از چشمه آب بخورد، تفنگی از او می‌خواهد باهم دوست شوند ولی فرشته می‌داند که درون او از گلوله است و باعث نابودی خواهد شد بنابراین از او هم دور می‌شود. تفنگ هم نماد جنگ و ستیزه‌جویی است. سپس به طاووس که مظهر زیبایی و غرور است، می‌رسد و طاووس از زیبایی‌ها و مفاخرش می‌گوید (کشاوری، ۱۳۸۰) طاووس، نماد خودنمایی است (شوالیه و گبران، ۱۳۸۵، ج ۴) و این نکته‌ای است که باعث می‌شود فرشته از دوستی با او امتناع کند؛ زیرا خداوند با انسان‌هایی که خودبین و خودرأی هستند، پیوند نمی‌یابد. بعد به یک موش حریص می‌رسد که از دارایی و اموالش صحبت می‌کند و درعین حال به او پیشنهاد دوستی و رفاقت می‌دهد (کشاوری، ۱۳۸۰) که در فرهنگ نمادها موش صحرائی

این کاوشگر سیری ناپذیر، به عنوان دزد ملحوظ شده است (شوالیه و گبران، ۱۳۸۷، ج ۵) اما حرص و ولع از صفات ناپسند است و فرشته تمایلی به انس گرفتن با این گونه موجودات ندارد.

بالاخره در روستایی، در یک خانه، فرشته‌های زیادی می‌بیند. در آن خانه روی زمین، دخترکی را می‌بیند که از خداوند یک دوست و همدم می‌خواهد فرشته هم که دنبال کسی است که شایسته دوستی باشد، مهربانی و معصومیت دخترک باعث جلب توجه او شده و او را حتی بهتر از دیگر فرشتگان می‌بیند (کشاوری، ۱۳۸۰) پس به قلب و درون دخترک راه می‌یابد زیرا مثل هم پاک و معصوم هستند و در نهایت هر دو به آرزوی خود می‌رسند و باهم همراه می‌شوند. کودک نماد معصومیت است. (شوالیه و گبران، ۱۳۸۵، ج ۴)

به‌طور کلی این داستان با نمادپردازی می‌خواهد عشق خدا را به انسان‌های پاک و معصوم نشان دهد و بگوید ذات الهی با بی‌اعتمادی و ناپاکی، انسان‌های دنیوی و هوشیار دنیایی، ظلم و خشونت، خودبینی و حرص و آز همخوانی ندارد و فرشته نماد ذات پاک خداوند، تنها با دیدن کودکی که نماد پاکی و بی‌ریایی است، ابراز رضایت می‌کند و به او می‌پیوندد.

۴-۲. اندیشه اخلاقی

تربیت اخلاقی عامل تأثیرگذار در سعادت فردی و اجتماعی دانسته شده و مباحث بسیار زیادی به این فرآیند اختصاص داده شده است بنابراین بدیهی است که ادبیات هم با توجه به اینکه انسان‌ها در کودکی آمادگی پذیرش الگوهای اخلاقی را از والدین و محیط دارند، با طرح این اندیشه بتواند موقعیت رشد و بالندگی را برای آنان ایجاد کند. داستان‌های گنجشک و پروانه، یک‌دانه چوب کبریت، گل صبور و خوش‌خویی از داستان‌هایی هستند که به شکل نمادین به بیان اصول و اندیشه‌های اخلاقی می‌پردازند مثلاً در شعر گنجشک و پروانه شاعر داستانی را در قالب مکالمه گنجشک و پروانه‌ای بیان می‌کند که گنجشک به پروانه نوک می‌زند و پروانه معترض می‌شود که چرا به او آسیب می‌رساند؟ پروانه به گنجشک می‌گوید با این که از او کوچک‌تر و ضعیف‌تر می‌نماید اما به‌هر حال فرقی با او

ندارد و هردو جاندارند. (کشاورز، ۱۳۸۵) در اینجا شاعر با داستانی که مطرح کرده است، دو هدف را دنبال می‌کند. اول این که کودکان به این نکته که خشونت و ستیزه‌جویی حاصل ضعف و حقارت است، پی ببرند و به تقویت عزت‌نفس و بعلاوه اعتمادبه‌نفس در خود پردازند. از آنجایی که گنجشک «ضعف، کوچکی جثه و در نتیجه حقارت آن مدنظر است.» (عبداللهی، ۱۳۸۱، ج ۲) و نوک‌زدن نماد جنگیدن «جنگ جنبه‌ی دفاعی زندگی است.» (شوالیه و گبران، ۱۳۸۸، ج ۲) بنابراین کودکان می‌آموزند که عزت‌نفس داشته و در زندگی مهر را جایگزین خشونت نمایند. هدف دیگری که شاعر از طرح این داستان دارد، همسانی انسان‌ها است؛ این که کسی بر دیگری برتری ندارد و همه مخلوق خدایند. در این داستان گنجشک با مورد اعتراض قرار گرفتن توسط پروانه که از لحاظ جثه از او کوچک‌تر است اما گذشته از آن او نیز جاندار است، از کار خود پشیمان شده، عذرخواهی نموده و با او آشتی می‌کند. پرواز نماد «جستجوی هماهنگی درونی و فراگذشتن از برخوردها و درگیری‌ها است.» (شوالیه و گبران، ۱۳۸۸، ج ۲)

۳-۴. اندیشه اجتماعی

برای استفاده از نماد، اندیشه‌های اجتماعی را نیز می‌توان در نظر گرفت و کم نیستند آموزه‌های اجتماعی که از این طریق انتقال داده می‌شوند. در بررسی که در مورد نمادها در این تحقیق صورت گرفت، مواردی مشاهده می‌شود که به‌منظور طرح برخی مشکلات اجتماعی و ارائه راهکار به‌صورت غیرمستقیم و نمادین در خصوص کودکان و نوجوانان و خطاب به قشر مذکور به‌کاررفته است. در داستان قصه «اسپک چوبی» شاعر از زبان کودکی که سوار بر اسب چوبی است، آرزو می‌کند کاش سوار بر اسب هوشیار و چالاک، دوره اسارت و ناکامی را درمی‌نوردید و به آزادی و رهایی می‌رسید. (محمدی، ۱۳۸۱) اسب همان حیوان چهارپا که به هوش و فراست معروف است. (یاحقی، ۱۳۹۱) شاعر در خیال خود آن اسب را جاندار می‌پندارد و انگار اسب حال و روز او را درک می‌کند. (محمدی، ۱۳۸۱) روانکاوان اسب را نماد روان ناخودآگاه یا روان غیر بشری می‌دانند. (شوالیه و گبران، ۱۳۸۸، ج ۱) در اینجا اسب روان ناخودآگاه شاعر است که با

هوشیاری در پی آزادی می‌باشد. اسب و اسب‌سوار از درون یکی می‌شوند. اسب انسان را آگاه می‌کند یعنی الهام، عقل را روشن می‌کند. اسب رازها را تعلیم می‌دهد، خود را به تربیتی درست جهت می‌دهد (شوالیه و گبران، ۱۳۸۸، ج ۱) در این شعر آرزوی رهایی از یکی از مشکلاتی را که مردم ستمدیده افغان که همان رنج و خفقان است و به‌ویژه بر روی کودکان و نوجوانان تأثیر ناخوشایند دارد، در قالب نماد «اسب» بیان شده است.

۴-۴. اندیشه فرهنگی

با توجه به شیوه زندگی در عصر حاضر که عصر ارتباطات و (خواسته یا ناخواسته) تبادل فرهنگ‌ها می‌باشد، آشنایی کودکان و نوجوانان در هر جامعه‌ای با فرهنگ آن جامعه لازم و ضروری به نظر می‌رسد. یکی از وظایف ادبیات کودکان و نوجوانان معرفی فرهنگ ملی خود است، به گونه‌ای که کودک و نوجوان که در معرض تغییرات و زندگی مدرن قرار می‌گیرد اگر با فرهنگ ملی خود آشنایی داشته باشد و ارزش‌های فرهنگی خویش را حفظ نماید، بهتر و سالم‌تر رشد نموده و در نتیجه جامعه‌ای سالم نیز خواهیم داشت.

در اینجا به بررسی داستان «از باغ‌های نور» پرداخته خواهد شد. در این شعر شاعر از زبان نوجوانی از پدربزرگ خود که نماینده نسل گذشته است، می‌خواهد مردانگی، ایثار، معصومیت و پاکی مردمان گذشته را دوباره در قالب قصه برای او یادآوری کند و از او می‌خواهد یک آسمان شکوفه از باغ‌های نور بیاورد. (کیانوش، ۱۳۸۹) باغ نماد بهشت گمشده است (شوالیه و گبران، ۱۳۸۸، ج ۲) و نور همواره نماد حیات، رحمت و خوشی-هایی است که خداوند عطا کرده است. (همان، ۱۳۸۷، ج ۵) این نوجوان در دنیایی زندگی می‌کند که ارزش‌ها تغییر یافته: بابابزرگ، کفش بلورین / دیگر به قد پای کسی نیست. (کیانوش، ۱۳۸۹) او ایثار، جوانمردی و پاکی را در میان مردم بسیار کم می‌بیند و از این بابت احساس دلتنگی می‌کند. نمادها در این شعر به دو صورت نیکی و سپس تغییر یافتن آن‌ها بیان شده‌اند که هر کدام در بخش جداگانه‌ای برای درک این تفاوت در گذشته و حال توسط خواننده، به کاررفته است. در بخش نخست شاعر نظم، آرامش، زیبایی، نیکی، مردانگی و حس حمایتگری را در میان مردم بیان می‌کند و سپس این نکته را یادآور می-

شود که اکنون هیچ کدام از این ارزش‌ها در جامعه وجود ندارد در باله‌ای خسته‌ی سیمرخ/ امروز قدرت مگس نیست (کیانوش، ۱۳۸۹) سیمرخ پهلوانان را به نقاط دور حمل می‌کند و چند پر از پرهایش را پیش آن‌ها می‌گذارد تا در هنگام لزوم با آتش زدن پرهایش او را فراخوانند. این مضمون بسیار معروف است که پر سیمرخ زخم‌ها را شفا می‌دهد و سیمرخ خود به‌عنوان یک حکیم شفابخش معرفی شده است. (شوالیه و گریبان، ۱۳۸۸، ج ۳) بابابزرگ، رستم دستان/ از سرزمین قصه چرا رفت؟ (کیانوش، ۱۳۸۹) در پهنه‌ی ادب فارسی نیز [رستم] مظهر شجاعت و جهان‌پهلوانی است و کتابی نیست که از نام و یاد او تهی باشد گویی در فرهنگ ایرانی، دلیری و پهلوانی بانام او قرین و عجین گشته است. (یاحق، ۱۳۹۱) بیژن به چاه ماند و منیژه/ با آن دل شکسته کجا رفت؟ (کیانوش، ۱۳۸۹) رستم به پایمردی منیژه، بیژن را از چاه تاریک رهایی بخشید. (یاحق، ۱۳۹۱)

و در عوض این همه نیکی و بزرگی، اکنون مردم جامعه تنها به فکر خویش هستند و در فکر نان (کیانوش، ۱۳۸۹) شاعر از این تغییر فرهنگ و تبعات منفی آن در جامعه ابراز نارضایتی می‌کند و درصدد این است که دوباره ارزش‌های گذشته را با کاربرد نماد در آثاری که مخاطبانش آمادگی و پذیرش لازم رادارند، بتواند احیا کند.

۵. توصیف و طبقه‌بندی نمادها بر اساس الگوی نشانه‌شناسی آگدن و

ریچاردز

در این بحث سعی خواهد شد، تمامی نمادها بر اساس مثلث معنایی آگدن و ریچاردز و البته با توجه به جایگاهی که در سیر داستان و در پیوند با سایر نمادهایی که در متن دارند نمادپردازی شوند و اندیشه‌های نهفته در آن‌ها تعیین گردد. در ارائه آن‌ها از ترتیب حروف الفبا استفاده شده و نام اثری که در آن یافت شده، ذکر شده است.

جدول ۱. فهرست نشانه‌های و اندیشه‌های سازنده آن‌ها در ادبیات منظوم دهه هشتاد

| اندیشه | مدلول | دال |
|--------|--|-----|
| دینی | سایه و تیرگی در زندگی (من و خواب جنگل) | ابر |
| | مظهر خداوند (بخوان و بنویس) | |
| | نمایان کننده ذات پروردگار و مایه رحمت و زندگی (چتر باران دارد) | |

| اندیشه | مدلول | دال |
|---------------|--|--------|
| | بیداری از غفلت، ظهور خدا (باران و چتر من) | |
| | ظهور الله (شوق باران) | |
| دینی | نماد اصل الهی زندگی، اوج رشد انسانی (دختر باغ آرزو) | ازدواج |
| اجتماعی | روشن ضمیری، چابکی و همچنین آزادی و پیروزی (اسبک چوبی) | اسب |
| دینی | روشنی و پاکی، تزکیه، خلوص، طالب صلح و نظم (دوست دارم) | آب |
| اخلاقی | تطهیر و نوزایی، وسیله تزکیه، چشمه‌ی حیات و حیات دوباره، زندگی (فواره) | |
| دینی | خلوص، حقیقت، بریدن از این دنیا، روح آزاد، ایمان به آخرت و از بعد عامیانه نماد پوچی و بی‌ارزشی است (چتر باران دارد) | آبی |
| | بریدن از تعلقات مادی، معنویت، ماسوا (باران و چتر من) | |
| | بی‌کرانگی و وسعت عظمت خدا، معنویت (پیراهن خورشید) | |
| دینی | نظم مقدس کیهان، وسعت و بی‌کرانگی هستی (من و خواب جنگل) | آسمان |
| دینی - اخلاقی | محل رستگاری، بی‌کرانگی (هاجستم و واجستم) | |
| دینی | روح، آگاهی، قدرت برتر (پروردگار) (چتر باران دارد) | |
| | خداوند، بی‌کرانگی، ماوراء (باران و چتر من) | |
| اخلاقی | مادر، مهربانی و احیاکنندگی مهر مادری (آهوی ابریشمین) | آهو |
| اخلاقی | بازتابنده واقعیت، نشان‌دهنده‌ی آنچه هست، روشنی و ابزار شناخت (صندلی چوبی) | آینه |
| اخلاقی | عشق و محبت - مشوق و مؤثر در رفتارهای نیک و بد انسان (کلوچه و مورچه) | بابا |
| اجتماعی | اقتدار (باد و کلاه) | |
| دینی | بی‌ثباتی و ناپایداری، تشویش‌ها و نگرانی‌های زندگی (من و خواب جنگل) | باد |
| | اضطراب و ترس از مرگ (بخوان و بنویس) | |
| اجتماعی | بی‌ثباتی، ناپایداری، هیاهو و ناآرامی (کلاغه به خون‌ش نرسید) | |
| | سختی‌ها و دشواری‌های زندگی، مصائب و مشکلات (چتر و باد) | |
| | مشکلات و دشواری‌های موجود در زندگی (باد و کلاه) | |
| اجتماعی | رحمت و لطف خداوندی، برکات آسمانی (چتر و باد) | |
| دینی | نماد آتش و خشم، آزمون‌های زندگی (من و خواب جنگل) | |
| دینی | رحمت پروردگار، روشنی و پاکی، خلوص (یک قصه کوتاه) | |

| اندیشه | مدلول | دال |
|-------------|--|-----------|
| | رحمت، گشایش (مانند یک سیب) | |
| دینی-اخلاقی | رحمت و برکت (چتر و کلاغ) | باران |
| دینی | رحمت، حاصلخیزی، حیات بخشی (بخوان و بنویس) | |
| | رحمت پروردگار به بندگانش (چتر باران دارد) | |
| | رحمت و لطف خداوند (شعری بخوان) | |
| | رحمت (باران و چتر من) | |
| | رحمت (پیراهن خورشید) | |
| دینی-اخلاقی | بهشت زمینی، بهشت گم شده، آرامش معنوی و دور شدن از اضطراب‌های دنیوی (دختر باغ آرزو) | باغ |
| | بهشت زمینی، فراوانی و زیبایی‌های دنیوی (کلاغ‌ها و شکوفه‌ها) | |
| فرهنگی | بهشت زمینی، بهشت گمشده، آرامش حقیقی، سعادت و خوشبختی واقعی (از باغ‌های نور) | |
| اجتماعی | بهشت زمینی، معنویت و دوری از اضطراب دنیایی (کلاغه به خونه‌ش نرسید) | |
| دینی | رضایت از وضعیت موجود، آرامش، آسودگی خیال (مانند یک سیب) | |
| | بهشت، پاکی، روح انسان‌ها (بخوان و بنویس) | |
| دینی-اخلاقی | تکامل، آگاهی (هاجستم و واجستم) | باغچه |
| اجتماعی | نیرومندی و قدرت، مرشد معنوی، راهنما (هندوستان) | بیر |
| اجتماعی | سختی‌های زندگی که منجر به زیبایی و آرامش می‌شود (چتر و باد) | برف |
| دینی-اخلاقی | خوشبختی و سعادت، وسیله‌ی رسیدن به آرامش روحی (دختر باغ آرزو) | برگ |
| اجتماعی | خوشبختی و سعادت (کلاغه به خونه‌ش نرسید) | |
| دینی | سعادت و خوشبختی (بخوان و بنویس) | |
| اخلاقی | امید ازدست‌رفته، شادی و طراوتی که رو به نابودی است (برگ زرد) | برگ زرد |
| دینی-اخلاقی | استعداد برتر، آگاهی مطلق و بصیرت (دختر باغ آرزو) | بندانگشتی |
| فرهنگی | انسان‌های گرفتار در بند ظلم و بی‌عدالتی، مظلوم و دادخواه (از باغ‌های نور) | بیژن |
| دینی | روزگار پیری، تکامل (بخوان و بنویس) | پاییز |
| اخلاقی | تنهایی، از بین رفتن شور زندگی، فرارسیدن پیری (بوی پاییز) | |
| دینی-اخلاقی | عقل و آگاهی، راهنما (هاجستم و واجستم) | پدر |
| اجتماعی | قهرمان و کسانی که در زندگی به آنان علاقه‌مندیم (مداد پاک کن) | |
| اجتماعی | قدرت پرواز، نیروی رهایی از پستی‌ها (کلاغه به خونه‌ش نرسید) | پر |

| اندیشه | مدلول | دال |
|---------------|---|------------|
| دینی - اخلاقی | پیک بهار، مژده دهنده به زندگی و تازگی و نشانه‌ی رستاخیز (دختر باغ آرزو) | پرستو |
| دینی | خلوص، تزکیه (مانند یک سیب) | |
| اخلاقی | پیک بهار، شادمانی جوانی، حس طراوت (بوی پاییز) | |
| دینی - اخلاقی | رابط میان زمین و آسمان و ارتباط عالم خاکی با عالم ملکوتی، رسیدن به جاودانگی در معنویت (دختر باغ آرزو) | پرنده |
| اخلاقی | صلح و آرامش، دوستی (گنجشک و پروانه) | پرواز کردن |
| اخلاقی | روح (گنجشک و پروانه) | |
| دینی - اخلاقی | زندگی دوباره، رسیدن به جاودانگی و رستگاری (دختر باغ آرزو) | |
| دینی | زندگی دوباره، روح (پیراهن خورشید) | پروانه |
| دینی | نردبانی برای رسیدن آدمی از مرحله‌ای انسانی به مرحله‌ی فرا انسانی و عالم معنا (من و خواب جنگل) | |
| دینی | پیوند آسمان و زمین، عشق و علاقه به معنویت و پاکی دختر | پیل |
| دینی - اخلاقی | قدرت ظالم و خشن (فرشته‌ای از آسمون) | پیچک |
| دینی - اخلاقی | دفاع زندگی، نبرد میان نور و ظلمت، مقابله کردن با نحوست و ناپاکی (دوستی) | تفنگ |
| اجتماعی | زندگی (من و خواب جنگل) | جنگ |
| دینی | حمایت، نگاهبانی و پاسداری (چتر و باد) | جنگل |
| اجتماعی | حمایت، پناهگاه (من و خواب جنگل) | |
| دینی | حمایت (چتر و کلاغ) | |
| دینی - اخلاقی | حمایت (چتر باران دارد) | |
| دینی | ذات انسان، حامی (باران و چتر من) | |
| دینی | نیک بختی، خلوص و تزکیه (دوست دارم) | چشمه |
| دینی | احیاء، قدرت و برکت، معنویت، زندگی و حیات (بیرق باشکوه زمین) | |
| اجتماعی | اوج و بلندی، بلندمرتبیگی (دوستی) | چنار |
| دینی | آزادی (یخوان و بنویس) | |
| اجتماعی | هر چیز صنعتی و ساخته شده توسط انسان، بی جان و غیرزنده (اسبک چوبی) | چوب |
| اخلاقی | تنهایی، ناامیدی (یک دانه چوب کبریت) | چوب کبریت |
| دینی - اخلاقی | ناخودآگاه انسان‌ها که به معنویت و تکامل گرایش دارد (هاجستم و) | حیوانات |

| اندیشه | مدلول | دال |
|---------------|---|------------|
| | واجستم | |
| دینی | تیرگی (بخوان و بنویس) | خاک |
| دینی | محل رسیدن به آرامش، حمایت و آغوش امن مادر (من و خواب جنگل) | خانه |
| اجتماعی | پناهگاه، جایگاهی امن برای رسیدن به آرامش (کلاغه به خونه‌ش نرسید) | |
| دینی | نور، معرفت، ایمان (قوقولی قوقو) | خروس |
| دینی | نور و گرما، زندگی بخشی، معنویت (دوست دارم) | خورشید |
| | نور و گرما و زندگی (من و خواب جنگل) | |
| | نور، اشراق، خداوند (سبز تر از درخت) | |
| | اشراق و روشنی (مانند یک سیب) | |
| دینی - اخلاقی | معرفت، دانش (هاجستم و واجستم) | درخت |
| فرهنگی | نشانه‌ی جاودانگی، قانمیت و رابط میان زمین و آسمان (بیرق باشکوه زمین) | |
| اجتماعی | زندگی، رسیدن به تکامل، عروج و صعود از زمین به آسمان، رسیدن به آرامش واقعی (کلاغه به خونه‌ش نرسید) | |
| دینی | رابط میان زمین و آسمان، رابط دنیا و معنویت (سبز تر از درخت) | |
| دینی | پاکی، وسعت، آزادگی (دوست دارم) | دریا |
| | وسعت و بی‌کرانگی، پاکی ازلی (شوق باران) | |
| دینی - اخلاقی | وسعت، معنویت، تحرک و پویایی در زندگی (هاجستم و واجستم) | |
| اجتماعی | قدرت و نیرو (کلاغه به خونه‌ش نرسید) | دست |
| اجتماعی | بی‌کرانگی و وسعت، گشایش، آسودگی (کلاغه به خونه‌ش نرسید) | دشت |
| دینی | بی‌کرانگی - آرامش (بخوان و بنویس) | |
| اجتماعی | احساس درونی، ماهیت اندیشه‌ی انسانی، شخصیت و اصل فرد (کلاغه به خونه‌ش نرسید) | دل |
| دینی | جایگاه عشق به پروردگار (شعری بخوان) | |
| فرهنگی | شکست‌ناپذیری، قدرت، آزادگی و مردانگی، شجاعت (از باغ‌های نور) | رستم |
| دینی | رابط میان زمین و آسمان، صفات الهی، معنویت (من و خواب جنگل) | رنگین کمان |
| | رابط انسان با خدا (باران و چتر من) | |
| | رابط بین انسان با خدا (پیراهن خورشید) | |
| دینی | جریان، پویایی و تحرک، میل به دریا و بی‌کرانگی (دوست دارم) | رود |

| اندیشه | مدلول | دال |
|---------------|--|----------|
| اجتماعی | زندگی، رحمت و برکت آسمانی (کلاغه به خونهش نرسید) | |
| اخلاقی | خبررسان، برملا کننده اسرار (بوی پاییز) | زاغ |
| اجتماعی | نماد ارتباط و بروز احساسات (کلاغه به خونهش نرسید) | زبان |
| اجتماعی | درد و رنجی که در پی ناکامی حاصل می شود (کفش لجیاز) | زخم |
| دینی - اخلاقی | مادیات و زرق و برق دنیوی، احتیاجات کاذب مادی (کلاغها و شکوفهها) | زیورآلات |
| دینی | زمان، سپری شدن زمان (قوقولی قوقو) | ساعت |
| اجتماعی | حمایت، پشتیبانی و کمک (کلاغه به خونهش نرسید) | سایه |
| دینی | نادانی، تاریکی (سبزتر از درخت) | سایه |
| اخلاقی | آرامش، تازگی، امید، جان بخشی، عشق کودکانه به مادر (هدیه زیبا) | سبز |
| دینی | آرامش، زندگی و حیات، قضا و قدر الهی (من و خواب جنگل) | |
| | جاودانگی (سبزتر از درخت) | |
| دینی - اخلاقی | قدرت الهی، بی کرانگی و وسعت، بقا و قداست و پاکی (جهان شو) | سپهر |
| اخلاقی | راهنما، پدر (بلوز ستاره) | ستاره |
| دینی | نماد آنچه از درون برمی آید، فطرت خداجوی انسانها (شعری بخوان) | سرود |
| اجتماعی | پاکی، معصومیت، فطرت پاک انسانها (کلاغه به خونهش نرسید) | سفید |
| دینی - اخلاقی | زشتی و پلشتی، آلودگی و اهریمنی (دختر باغ آرزو) | سوسک |
| اجتماعی | ظلمت و جهل، اندوه بدبختی، کدورت و سردی (دوستی) | سیاه |
| دینی - اخلاقی | وحدت و یگانگی، شناخت و معرفت قلبی و درونی (سیب) | سیب |
| دینی | روح، درون پاک انسانها که تمایل به نیکی دارد (مانند یک سیب) | |
| فرهنگی | قدرت، حمایت و نگهبانی، قدرت و همت در گشایش امور صعب و دشوار، شفابخشی (از باغهای نور) | سیمرغ |
| اجتماعی | زندگی (کلاغه به خونهش نرسید) | شاخه |
| دینی | روح انسان که آگاهی و نور شناخت آن را ارتقا می دهد و به بالا می برد (سبزتر از درخت) | |
| دینی - اخلاقی | قهرمان، عشق واقعی (دختر باغ آرزو) | شاهزاده |
| اخلاقی | تاریکی، ظلمات، دنیای مادی، زندگی در این دنیا (ماه نو، نگاه نو) | شب |
| دینی | احساس درونی انسانها (شعری بخوان) | شعر |
| دینی - اخلاقی | نعمت خداوند (کلاغها و شکوفهها) | شکوفه |
| دینی | جستجوی ذات حق، مدد از طرف خداوند، حقیقت ذات الهی (شوق باران) | صحرا |
| اخلاقی | آرامش زندگی بخش، جاودانگی حیات و خاطرات باارزش (صندلی) | صندلی |

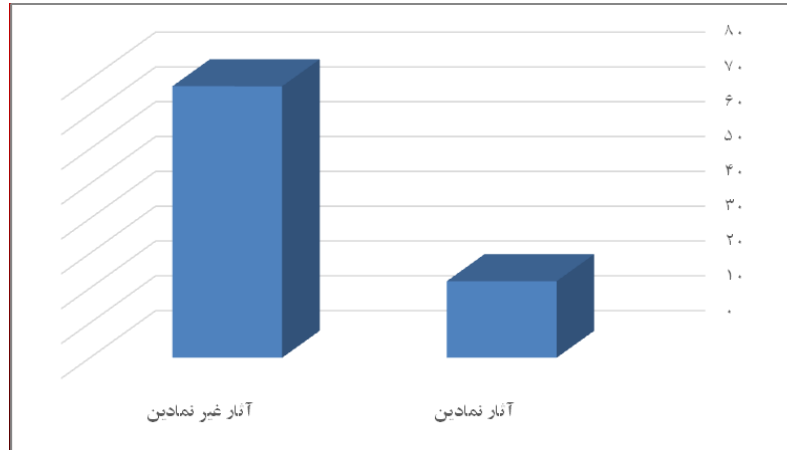
| اندیشه | مدلول | دال |
|---------------|---|----------|
| | چوبی) | چوبی |
| دینی - اخلاقی | خودبینی، غرور (فرشته‌ای از آسمون) | طاووس |
| اجتماعی | پاکی، لطافت و رنگارنگی (هندوستان) | |
| اخلاقی | نویدبخشی و بشارت و درعین حال هشداردهنده نیز هست (خوش خویی) | طبل |
| اجتماعی | عشق مهارنشده و غیر معقول (هندوستان) | طوطی |
| دینی - اخلاقی | کل موجودات، تمامیت جهان (کلاغ‌ها و شکوفه‌ها) | عدد چهار |
| دینی - اخلاقی | جسم مادی (کلاغ‌ها و شکوفه‌ها) | عدد سه |
| دینی | تعادل کیهانی، بی‌نهایت (سبز تر از درخت) | عدد هشت |
| دینی - اخلاقی | حقیقت، اصل موجودات، روح و درون حقیقی (کلاغ‌ها و شکوفه‌ها) | عدد یک |
| اخلاقی | تزکیه و تهذیب نفس، جاه و جلال و شوکت، (نمی‌توان کلاغ ماند) | عقاب |
| اخلاقی | ترس و نگرانی و ناآرامی، وحشت (آرزوی غول) | غول |
| فرهنگی | رمز آگاهی و توانایی فکری (فال‌بینک) | فال‌بینک |
| دینی - اخلاقی | نماد ذات الهی و رابط میان خداوند با مخلوقات، تمایل عاشقانه برای رسیدن به خالق یکتا؛ ارتباط با معبود (فرشته‌ای از آسمون) | فرشته |
| اخلاقی | جنب‌وجوش و تازگی، طراوت، خلوص و تزکیه، جوانی و نشاط (فواره) | فواره |
| اجتماعی | قدرت سلاطین، برآورده‌کننده آرزوها و آمال (هندوستان) | فیل |
| اخلاقی | پیام آور، خبررسان، پیک شادی (پستچی گل‌ها) | قاصدک |
| دینی - اخلاقی | عاطفه و علاقه راستین، اندیشه پاک کودکانه (سیب) | قلب |
| اجتماعی | اندیشه، درون، فکر و ماهیت انسان، اصل و گوهر آدمی (دوستی) | |
| دینی | انسان‌های خوب و مثبت (دوست دارم) | قناری |
| دینی - اخلاقی | فکر مشتت و پراکنده، آشفتگی روحی، ذهن گرفتار و مادیات و زندگی دنیوی (دختر باغ آرزو) | قورباغه |
| اخلاقی | صبر و تحمل - استقامت و پایداری - تلاش و تکاپو و امیدواری (گل صبور) | کاکتوس |
| اجتماعی | تملک، تأیید اجتماعی (کفش لجباز) | کفش |
| دینی | انسان‌های منفی (دوست دارم) | |
| اجتماعی | نحوست، بدبختی و شومی و بدیمنی، دون طبیعی و لئامت، در ضمن از جهتی می‌توان نماد تمایل به تنهایی و انزوا در نظر گرفت (دوستی) | کلاغ |
| دینی - اخلاقی | مآل‌اندیشی، هوشیاری، زیرکی و آگاهی (کلاغ‌ها و شکوفه‌ها) | |
| | هوشیاری، فرجام‌اندیشی، (فرشته‌ای از آسمون) | |

| اندیشه | مدلول | دال |
|---------------|--|-----------|
| | تنهایی و انزوای عمدی (چتر و کلاغ) | |
| اخلاقی | افرادی با ذات پاک و سفید اما با رفتار نادرست و روش اشتباه (نمی توان کلاغ ماند) | |
| اجتماعی | تنهایی (کلاغه به خونهش نرسید) | |
| دینی | پلیدی وزشتی (بخوان و بنویس) | |
| اجتماعی | قدرت و نیرو (باد و کلاه) | کلاه |
| اخلاقی | غذای جسم، غذای روح (کلوچه و مورچه) | کلوچه |
| دینی - اخلاقی | انسان‌های حقیقت‌جو، آنان که در طلب کمال هستند (هاجستم و واجستم) | کودک |
| | پاکی و معصومیت، بی‌گناهی، سادگی و بی‌ریایی (فرشته‌ای از آسمون) | |
| اجتماعی | معصومیت، پاکی، صلح و صلح‌طلبی (کلاغه به خونهش نرسید) | |
| اجتماعی | عروج، استواری و پایداری، استقامت (کلاغه به خونهش نرسید) | کوه |
| دینی | عروج، استواری و استقامت (پیراهن خورشید) | |
| دینی - اخلاقی | بی‌اعتمادی، ظلمت، ناپاکی (فرشته‌ای از آسمون) | گره |
| اجتماعی | خشم و خشونت طبیعت (کلاغه به خونهش نرسید) | گرما |
| اخلاقی | عشق و علاقه، غلبه بر ترس و اضطراب، صلح درونی و اعتماد به نفس (آرزوی غول) | گل |
| | عشق و پاکی، بازگشت به وحدت و مرحله‌ی اولیه، کودکی و پاکی و معصومیت کودکان، بازگشت به قبل از خطای آدم و حوا (دختر باغ آرزو) | |
| دینی - اخلاقی | عشق، زیبایی حقیقی (هاجستم و واجستم) | |
| اجتماعی | دنیا (کلاغه به خونهش نرسید) | گنبد |
| اخلاقی | ضعف و حقارت، جسم انسان (گنجشک و پروانه) | گنجشک |
| اخلاقی | خطا، اشتباه، چیزی برخلاف قاعده و طبیعت (چی شده خواهر بگو) | لکه |
| اخلاقی | گرما، نوازش، عشق عمیق، شفقت و مهربانی، رفعت روحانی (هدیه زیبا) | مادر |
| اخلاقی | عشق مادرانه، پاکی و خلوص، فرزاندگی (صندلی چوبی) | مادر بزرگ |
| اخلاقی | روشنایی، تابناکی، مادر، مهر مادری، حس زنانگی (ماه نو، نگاه نو) | ماه |
| | اثر مادرانه، مادر (بلوز ستاره) | |
| اخلاقی | مظهر زندگی و حیات (فواره) | ماهی |
| دینی - اخلاقی | حاصلخیزی، ثروت و فراوانی و حکمت، زندگی جاودانه (دختر باغ آرزو) | |
| اخلاقی | ضعف و ناتوانی و درعین حال تفکر و اندیشه (برگ زرد) | مورچه |
| | انسان‌های عاقبت‌اندیش و شاید بتوان گفت فرصت طلب همچین نماد افراد | |

| اندیشه | مدلول | دال |
|---------------|---|---------------|
| | عاقل و اندیشمند می‌تواند باشد که برای کسب رضایت خود از کمترین امکانات بهترین و بیشترین بهره را می‌برد (یک‌دانه چوب کبریت) | |
| | افراد ضعیف و ناتوان (کلوچه و مورچه) | |
| دینی - اخلاقی | خوش مشربی و درعین حال نماد انسان‌های حریص و سیری‌ناپذیر (فرشته‌ای از آسمون) | موش |
| دینی - اخلاقی | خوش مشربی، فراوانی، سعادت (دختر باغ آرزو) | موش صحرايي |
| دینی - اخلاقی | نماد رهروان اسرار باطنی، مرتبط با خاک و تاریکی، راهنمای روح برای برطرف کردن مشکلات (دختر باغ آرزو) | موش کور |
| اخلاقی | امکانات کم و ناچیز (یک‌دانه چوب کبریت) | نان قندی |
| اخلاقی | خلوص، پاکی، صداقت، درخشش با خلوص نیت (ماه نو، نگاه نو) | نقره |
| فرهنگی | روشنی و آگاهی، معرفت، رستگاری، شادی و انبساط خاطر، رضایت (از باغ‌های نور) | نور |
| اخلاقی | جنگ و جدال (گنجشک و پروانه) | نوک‌زدن |
| اجتماعی | افراد یکرنگ و هم‌آوا در یک مکان (هندوستان) | هندوانه |
| اجتماعی | هستی، معنویت، زندگی (کلاغه به خونه‌ش نرسید) | هوا |
| اخلاقی | امید، خوشبختی باز یافته (بوی پاییز) | یاکریم |

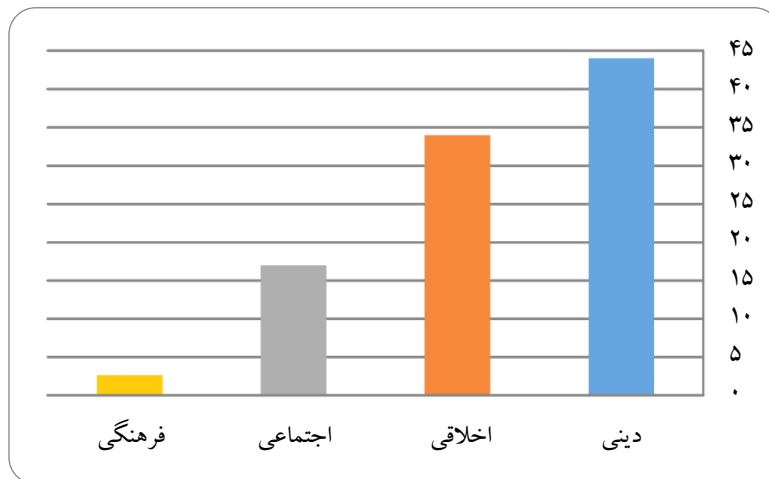
بحث و نتیجه‌گیری

نتیجه بررسی ۱۶ اثر نمادین (شامل ۴۷ داستان) از مجموع ۷۲ اثر که در فاصله سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ به صورت منظوم برای گروه سنی الف، ب و جیم برای کودکان تألیف شده است، نشان‌دهنده جایگاه و اهمیت نماد در این نوع ادبی است؛ چنانکه در نمودار (۱) مشاهده می‌گردد آثار نمادین در مقابل آثار غیر نمادین ۲۲ درصد یعنی بیش از یک‌چهارم این آثار را به خود اختصاص داده است.



نمودار ۱. بسامد آثار نمادین در دهه هشتاد

اما آنچه اهمیت دارد و به اولین سؤال این پژوهش پاسخ می‌دهد، بررسی اندیشه‌هایی است که این مصادیق را به نماد تبدیل کرده است؛ بررسی داده‌هایی که در جدول (۱) آمده است، نشان می‌دهد که اندیشه‌های دینی بیشترین بسامد را در ایجاد و تبدیل این مصادیق به نماد داشته‌اند، سپس اندیشه اخلاقی و بعد از آن به ترتیب اندیشه‌های اجتماعی و فرهنگی سازنده این نمادها هستند. این نتیجه در نمودار (۲) نشان داده شده است.



نمودار ۲. بسامد انواع اندیشه سازنده مصادیق نمادین

نمودار فوق نشان می‌دهد، اندیشه‌ای که سبب تغییر نشانه‌های مصادیق نمادین در داستان‌های دهه هشتاد شده‌است، بیشتر اندیشه‌های دینی و اخلاقی هستند و به عبارتی دیگر، نویسندگان و پدیدآورندگان این آثار، باهدف پرورش بعد دینی و اخلاقی کودکان به تألیف و گزینش داستان‌های نمادین پرداخته‌اند و بیشتر بعد انتزاعی این مفاهیم سبب ایجاد آثار نمادین شده‌است.

برای پاسخ سؤال دوم که آیا تنها تغییر اندیشه در نمادهای ادبیات کودک سبب تغییر نشانه‌های یک مصداق خواهد شد یا نه؟ داده‌های جدول شماره (۱) را نخست به دودسته تقسیم می‌نماییم؛ یکی نمادهای تک نشانه‌ای مانند ازدواج، آهو، ببر، باغچه، بندانگشتی، بیژن، پر، پرواز و ... که تنها یک نمونه از آن‌ها در نمونه‌های آماری، یافت شده و به خاطر اینکه تغییر اندیشه در آن‌ها قابل مشاهده و ملموس نیست و در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش، کاربردی نیستند، مورد بررسی قرار نگرفتند؛ و دیگری نمادهای چند نشانه‌ای یعنی مصداق‌هایی که دو تا ده مورد از آن‌ها در نمونه یافت شده و می‌توان اندیشه‌های مختلفی را زیرینا و سازنده نشانه‌هایشان دانست و در پاسخ به سؤال فوق از آن‌ها بهره گرفت. بررسی رابطه میان تغییر اندیشه و تغییر نشانه‌های مصادیق نمادین دسته دوم، سه نتیجه را نشان می‌دهد:

۱. در بیشتر موارد، باوجود تغییر اندیشه، نشانه تغییر نمی‌کند؛ در مصداق‌هایی مانند آب، خورشید، چتر، باغ، پرستو، دشت، کوه، گل، کودک با این نوع مواجه هستیم و این داده‌ها خلاف الگوی آگدن و ریچاردز را نشان می‌دهند؛ یعنی بیانگر این نکته هستند که با تغییر اندیشه نشانه تغییر چندانی نمی‌کند. گفتنی است که مصداق باران که بالاترین بسامد را (ده بار) داشته، در نه مورد نماد رحمت بوده (نشانه تغییر نکرده)، تنها در یک مورد (در داستان من و خواب جنگل) نماد سختی‌ها و حوادث زندگی است.

۲. گاهی هرچند در نشانه تغییر ایجاد شده، اما نشانه‌ها، روابط مجاز گونه و معنایی نزدیکی دارند و می‌توان آن‌ها را یکی دانست؛ به‌عنوان مثال، آسمان گاهی نشانه بی‌کرانگی و گاه قدرت برتر خدا است یا پاییز گاهی نشانه پیری و گاهی نشانه تنهایی بوده است

(رابطه لازم و ملزومی). همچنین در پروانه، چشمه و باد (ر.ک. جدول ۱) هم با این به همین ترتیب نشانه‌ها هرچند تغییر کرده‌اند اما چندان تفاوتی با هم ندارند.

۳. گاهی برعکس با تغییر اندیشه، نشانه آن‌قدر تغییر پیدا کرده که به نوعی روابط تضاد گونه بین نشانه‌ها به وجود آمده؛ مانند کلاغ از یک طرف نشانه دوران‌دیشی و انسان‌های پاک و معصوم است و از طرف دیگر نشانه نحوست و انسان‌های بد یا مورچه گاهی نشانه افراد ضعیف و گاهی نشانه افراد دوران‌دیش است؛ همچنین ابر، از یک طرف نشان ذات خداوند است، از طرف دیگر نشانه سایه و تیرگی‌های زندگی. البته چنانکه مشاهده می‌شود این نمونه‌ها بسیار کم‌اند.

بنابراین داده‌های این پژوهش حاکی از تأثیر ضعیف اندیشه بر تغییر نشانه‌ها هستند و نشان می‌دهند که با قطعیت نمی‌توان گفت که آنچه سبب تغییر نشانه‌های یک مصداق می‌شود، صرفاً اندیشه است و بدون شک نقطه چینی که مصداق و نشانه را در الگوی آگدن و ریچاردز به هم وصل می‌کند، هم بیانگر همین مطلب است که هرچند اندیشه سبب تغییر نشانه‌های مصداق خواهد شد اما مؤلفه‌های دیگری هم بین این دو و در این نقطه چین می‌توانند مطرح شوند و باید برای درک رابطه مصداق و نشانه به عوامل دیگری هم توجه کرد. یکی از این موارد که این پژوهش آن را (با توجه به داده‌های تحقیق) پیشنهاد می‌کند، ظرفیت چندگانه معنایی مصداق‌ها است؛ یعنی مورچه هرچند کوچک و ضعیف است اما در مقابل این ضعف به خاطر پشتکاری که در ذخیره‌سازی دارد، می‌تواند نماد دوران‌دیشان جامعه هم باشد یا کلاغ هم هرچند ظاهر سیاه و بدی دارد و در فرهنگ ایرانی نماد شومی است اما گاه می‌توان کلاغ را نماد کودک کاری هم دانست که در خیابان واگس می‌زند و ظاهر سیاهی چون کلاغ دارد اما درون پاک و معصومی دارد.

نکته دیگری که تأثیر قطعی و مستقیم اندیشه را در این نمادها زیر سؤال می‌برد، مواردی است که با وجود اشتراک اندیشه‌ها، نشانه‌های مصداق تغییر کرده‌اند؛ مثلاً بررسی مصداق مورچه در سه اثر برای بیان اندیشه‌های اخلاقی به کاررفته اما سبب ایجاد نشانه‌های متفاوتی در آن‌ها شده است. در صورتی که می‌بایست با وجود اندیشه مشترک، نشانه تغییر نمی‌کرد.

به‌عنوان پیشنهاد پژوهشی این مقاله پیشنهاد می‌شود که این الگو در نمادهای دیگری هم در انواع مختلف ادبیات موردبررسی قرار گیرد چنانچه نتیجه کار با آنچه در این پژوهش آمده یکی باشد یا بیانگر نقص ساختاری الگوست و باید مؤلفه‌های جدیدی به اضلاع آن افزود یا باید مفهوم اندیشه بسط بیشتری داده شود به‌عنوان نمونه علاوه بر اندیشه حاکم بر اثر، اندیشه یا معنای مصداق را هم دربربگیرد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Khavar Ghorbani



<https://orcid.org/0000-0002-2829-6312>

Nishtaman Allahveisi



<https://orcid.org/0000-0003-0579-5044>

منابع

- آلستون، ویلیام. (۱۳۸۱). *فلسفه زبان*. ترجمه احمد ایرانمنش و احمدرضا جلیلی. تهران: سهروردی.
- اندرسن، هانس کریستین. (۱۳۸۰). *دختر باغ آرزو*. اسدالله شعبانی. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- بدره‌ای، فریدون. (۱۳۴۶). مقدمه‌ای بر معناشناسی. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ۱۱۵(۱)، ۴۷-۶۹.
- پیرحیاتی، محمد. (۱۳۸۵). *مقدمه‌ای بر اساطیر*. تهران: دفتر نشر و پژوهش سهروردی.
- چدویک، چارلز. (۱۳۷۵). *سمبولیسم*. ترجمه مهدی سبحانی. تهران: نشر مرکز.
- چندلر، دانیل. (۱۳۸۷). *مبانی نشانه‌شناسی*. ترجمه مهدی پارسا. زیر نظر فرزانه سجودی. تهران: سوره مهر.
- سجودی، فرزانه. (۱۳۸۲). *نشانه‌شناسی کاربردی*. تهران: قصه.
- سلاجقه، پروین. (۱۳۸۷). *از این باغ شرقی*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شعبان‌نژاد، افسانه. (۱۳۸۱). *من و خواب جنگل*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____ (۱۳۸۹). *جم‌جمک*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____ (۱۳۸۳). *کلاغ‌ها و شکوفه‌ها*. تهران: محراب قلم.

_____ (۱۳۸۴). کلاغه به خون‌ش نرسید. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

_____ (۱۳۸۷). هاجستم و واجستم. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

شعبانی، اسدالله. (۱۳۸۵). ماه نو، نگاه نو. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

شوالیه، ژان؛ گریبان، آلن. (۱۳۸۸). فرهنگ‌نمادها. ج ۲. تهران: جیحون.

_____ (۱۳۸۵). فرهنگ‌نمادها. ج ۴. تهران: جیحون.

_____ (۱۳۸۷). فرهنگ‌نمادها. ج ۵. تهران: جیحون.

_____ (۱۳۸۸). فرهنگ‌نمادها. ج ۱. تهران: جیحون.

_____ (۱۳۸۸). فرهنگ‌نمادها. ج ۳. تهران: جیحون.

صفوی، کوروش. (۱۳۸۲). نگاهی به آرای فیلسوفان زبان در طرح نظریه‌های معنایی. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، (۱۸۶)، ۸۵-۱۱۶.

عبداللهی، منیژه. (۱۳۸۱). فرهنگ‌نامه جانوران در ادب فارسی (بر پایه واژه‌شناسی، اساطیر، باورها، زیباشناسی و...). ج ۲. تهران: پژوهنده.

فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). انسان‌شناسی شهری. تهران: نشر نی.

فیشر، رابرت. (۱۳۸۶). آموزش و تفکر. ترجمه‌ی فروغ کیان زاده. ویراستاری متانت سعادت‌مند. اهواز: رسش.

کشاورز، ناصر. (۱۳۸۳). پرزردقناری. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

_____ (۱۳۸۵). گنجشک و پروانه. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

_____ (الف ۱۳۸۰). فرشته‌ای از آسمون. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

_____ (ب ۱۳۸۰). سبزه‌تراز درخت. تهران: محراب قلم.

کوپر، جین. (۱۳۷۹). فرهنگ مصورنمادهای سنتی. ترجمه ملیحه کرباسیان. تهران: فرشاد.

کیانوش، محمود. (۱۳۵۵). شعر کودک در ایران. تهران: آگه.

گیرو، پی‌یر. (۱۳۸۰). نشانه‌شناسی. ترجمه محمد نبوی. تهران: آگه.

ماهوتی، مهری. (۱۳۹۰). کلوچه و مورچه. تهران: شاهد.

محمدی، محمدحسین. (۱۳۸۱). یک آسمان گنجشک. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

- مهرگان، آروین. (۱۳۹۲). *فلسفه نشانه‌شناسی*. اصفهان: فردا.
- _____ (۱۳۸۵). *دیالکتیک نمادها: پژوهشی در ساخت غریزی ذهن*. تهران: فردا.
- میرزاده، احمد. (۱۳۸۸). *نمی‌توان کلاغ ماند*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- هاشمی، منیره. (۱۳۸۹). *آقای تابستان*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۹۱). *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی*. تهران: فرهنگ معاصر.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۷۷). *انسان و سمبولهایش*. ترجمه دکتر محمود سلطانیه. تهران: انتشارات جامی.

References

- Abdollahi, M. (2002). *Dictionary of Animals in Persian Literature (based on lexicography, myths, beliefs, aesthetics, etc.)*. Volume 2. Tehran: Researcher. [In Persian]
- Alston, W. P. (2002). *Philosophy of Language*. Translated by Ahmad Iranmanesh and Ahmad Reza Jalili. Tehran: Suhrawardi. [In Persian]
- Anderson, H. C. (2001). *The Daughter of the Garden of Wishes*. Translated by Assadollah Shabani. Tehran: Children and Adolescents Intellectual Development Center. [In Persian]
- Badrei, F. (1967). Introduction to Semantics. *Journal of the Faculty of Literature and Humanities*, University of Tehran, 15(1), 47-69. [In Persian]
- Chandler, D. (2008). *Fundamentals of Semiotics*. Translated by Mehdi Parsa Under the Supervision of Farzan Sojudi. Tehran: Surah Mehr. [In Persian]
- Chevalier, A. & Gheerbrant, A. (2006). *Dictionary of Des Symboles*. Volume 4. Tehran: Jeyhun. [In Persian]
- _____ (2008). *Dictionary of Des symboles*. Volume 5. Tehran: Jeyhun. [In Persian]
- _____ (2009). *Dictionary of Des symboles*. Volume 1. Tehran: Jeyhun. [In Persian]
- _____ (2009). *Dictionary of Des symboles*. Volume 3. Tehran: Jeyhun. [In Persian]
- _____ (2009). *Dictionary of des symbols*. Volume 2. Tehran: Jeyhun. [In Persian]
- Fakuhi, N. (2004). *Urban Anthropology*. Tehran: Ney. [In Persian]
- Fisher, R. (2007). *Education and Thought*. Translated by Forough Kianzadeh. Edited by Saadatmand. Ahvaz: Rash. [In Persian]

- Giro, P. (2001). *Semiotics*. Translated by Mohammad Nabavi. Tehran: Agah. [In Persian]
- Hashemi, M. (2010). *Mr. Summer*. Tehran: Children and Adolescents Intellectual Development Center. [In Persian]
- Jung, C. G. (1998). *Man and His Symbols*. Translated by Dr. Mahmoud Soltanieh. Tehran: Jami Publications. [In Persian]
- Keshavarz, N. (2004). *Yellow Canary*. Tehran: Children and Adolescents Intellectual Development Center. [In Persian]
- _____. (2006). *Sparrow and Butterfly*. Tehran: Center for Intellectual Development of Children and Adolescents. [In Persian]
- _____. (2010). *Jamjamak*. Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents. [In Persian]
- _____. (a. 2001). *An Angel from Heaven*. Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents. [In Persian]
- _____. (B 2001). *Greener than a Tree*. Tehran: Altar of Pen. [In Persian]
- Cooper, J. (2000). *Illustrated Culture of Traditional Symbols*. Translated by Maliheh Karbasian. Tehran: Farshad. [In Persian]
- Kianoosh, M. (1976). *Children's Poetry in Iran*, Tehran: Agah.
- Mahouti, M. (2011). *Cookies and Ants*. Tehran: Shahed. [In Persian]
- Mehregan, A. (2006). *The Dialectic of Symbols: A Study in the Instinctive Construction of the Mind*. Tehran: Farda. [In Persian]
- _____. (2013). *Philosophy of Semiotics*. Isfahan: Tomorrow. [In Persian]
- Mirzadeh, A. (2009). *Cannot Be a Crow*. Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents. [In Persian]
- Mohammadi, M. H. (2002). *A Sparrow Sky*. Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents. [In Persian]
- Pirhiati, M. (2006). *Introduction to Mythology*. Tehran: Suhrawardi Publishing and Research Office. [In Persian]
- Chadwick, C. (1375). *Symbolism*. Translated by Mehdi Sobhani. Tehran: Markaz Publishing. [In Persian]
- Safavi, K. (2003). A look at the Views of Philosophers of Language in the Design of Semantic Theories. *Journal of the Faculty of Literature and Humanities*, University of Tabriz, (186), 85-116. [In Persian]
- Shabani, A. (2006). *New Moon, New Look*. Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents. [In Persian]
- Shabannejad, A. (2004). *Crows and Blossoms*. Tehran: Altar of Pen. [In Persian]
- _____. (2002). *Me and the Jungle Dream*. Tehran: Children and Adolescents Intellectual Development Center. [In Persian]

- _____. (2005). *The Crow did not Reach his House*. Tehran: Children and Adolescents Intellectual Development Center. [In Persian]
- _____. (2008). *Hajostam and Vajstem*. Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents. [In Persian]
- Selajgeh, P. (2008). *From this Eastern Garden*. Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents. [In Persian]
- Sojudi, F. (2003). *Applied Semiotics*. Tehran: Story. [In Persian]
- Yahaghi, M. J. (2012). *The Culture of Myths and Stories in Persian Literature*. Tehran: Contemporary Culture. [In Persian]

استناد به این مقاله: قربانی، خاور و الله ویسی، نیشتمان. (۱۴۰۱). نشانه‌شناسی نمادهای شعر کودک در دهه هشتاد بر اساس مثلث معنایی آگدن و ریچاردز. *متن پژوهی ادبی*، ۲۶(۹۳)، ۳۳۳-۳۶۲. doi: 10.22054/LTR.2020.39580.2582



Literary Text Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.